

● زمینی و آسمانی

(نگاهی به خوشنویسی ایرانی از آغاز تا امروز)

● آیدین آغداشلو

(در گفتگویی بلند با علیرضا هاشمی نژاد)

● ۲۴۶ ص - چاپ اول

● انتشارات فرزانه روز، دانشگاه شهید باهنر کرمان

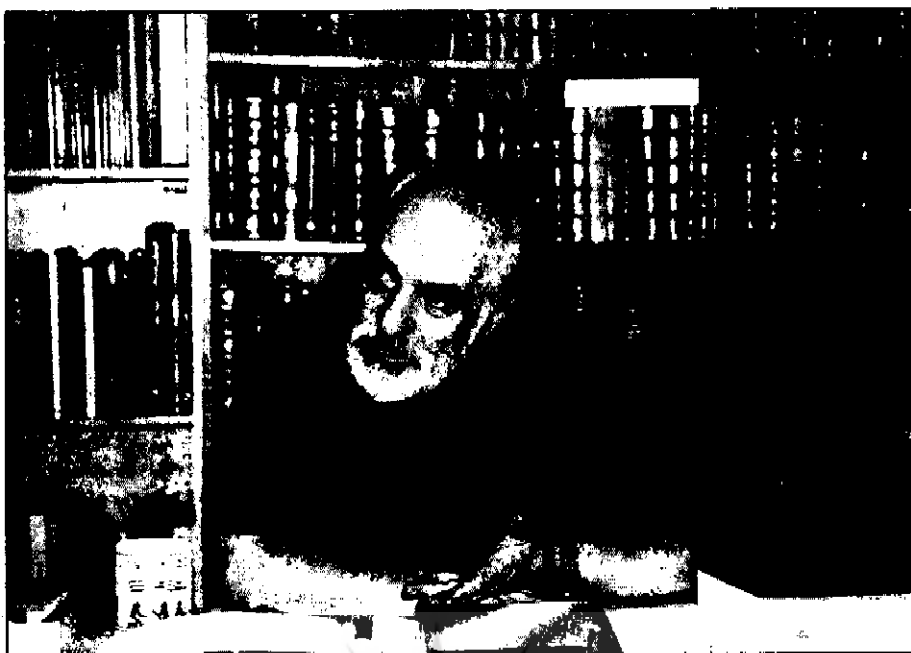
و فرهنگستان هنر

۵۳۰

در شماره گذشته مجله بخارا بخشی از گفتگوی علیرضا هاشمی نژاد را با آیدین آغداشلو به نقل از کتاب زمینی و آسمانی خواندید. اینک نوشته هاشمی نژاد را درباره چگونگی تدوین کتاب می خوانیم.

اولین آشنایی با نام آیدین آغداشلو را همراه با تحسین و تعجب از مقاله ایشان درباره میرزا رضا کلهر به خاطر دارم. چاپ مجدد مقاله را در سال ۶۵ یا ۶۶ در کتاب مرقعات الخط آقای یساولی خواندم و آرزوی دیدن و شناختن مؤلفش را داشتم. در حدود یک دهه بعد در جمع آشنایان او قرار گرفتم و در کمتر از دو دهه بعد افتخار انجام بلندترین گفتگوی با ایشان در مقوله خوشنویسی را پیدا کردم. نوع نگاه و نحوه بررسی موضوع خوشنویسی در آن مقاله که نزدیک به سه دهه از نگارش آن می گذرد، نوید آن را می داد که با محقق و تحلیل‌گری متفاوت روبرو هستیم. البته سال‌ها از اولین برخورد من با آن مقاله گذشت تا توان درک ویژگی‌های تحسین برانگیز و تعجب برانگیز آن مقاله را بشناسم و عزم کنم که مؤلفش را در فرایند شناخت خود از خوشنویسی، از منابع اصلی قلمداد کنم.

آثار دیگر استاد را در زمینه خوشنویسی و دیگر هنرها مطالعه کردم. او نقاش و گرافیست است اما اهل سینما هم او را به عنوان یک منتقد نغزگو و بسیار دان می‌شناسند.



● آیدین آغداشلو (عکس از علی دهباشی)

نزدیکی او به حلقهٔ روشنفکران دهه‌های ۴۰ و ۵۰، نسلی که تقریباً در اکثر زمینه‌های هنری و فرهنگی افراد کم‌نظیر و شاید غیرقابل تکراری را به جامعه معرفی کرده است، او را هم به یکی از همان نمونه‌ها تبدیل کرد. نقد او بر اثری از جلال آل‌احمد در سال‌های بسیار دور، البته به مقیاس یک عمر انسانی، نمونهٔ یک نقد درست است. درست در معنای واقعی. تنوع نوشته‌ها و گفته‌های استاد در دیگر هنرها، و بخصوص هنرهای سنتی ایرانی، نشان از غور دقیق و کارشناسانهٔ ایشان در این گونه هنرها دارد و بدون تردید در میان کارشناسان و صاحب‌نظران هنرهای ایرانی و اسلامی از حیث تنوع شناخت و نوع بررسی با ضرس قاطع بی‌نظیر است. تنوع شناخت جامعیتی به او بخشیده است که خود به خود در بررسی هر یک از هنرها تحلیل تطبیقی، که تصور می‌شود ناگزیر از آن است، ویژگی اصلی تألیف او می‌شود، چنان‌که در گفتگویی پیش رو خواهید دید.

در سال‌هایی که در دانشکدهٔ هنر و معماری صبای کرمان به عنوان کارشناس و مدرس فعالیت می‌کردم (و هنوز هم می‌کنم) از سال ۱۳۷۴ به بعد در فرصت‌هایی به کمک مدیران دانشگاه و دانشکده، ایشان را برای سخنرانی و تدریس دعوت کردیم. در این سفرها با شوق فراوان مهماندار استاد بودم و در گشت و گذار مشترک و دیدار از ابنیه

و آثار کرمان بسیار از او آموختم و در همین فرصت‌ها بود که با دانش او در حوزه خوشنویسی بیشتر آشنا شدم و احساس کردم، همان طور که خود او دربارهٔ ابراهیم گلستان در جایی گفته است، با «حلقهٔ اتصال و چهار راه معرفت» - البته در حوزهٔ هنرهای ایرانی - روبرو هستم، و جای نظرات و دیدگاه‌های استاد را - که البته جسته و گریخته در سخنرانی‌ها و مقالات ایشان ارائه می‌شد - در قالب یک مجموعهٔ منسجم در ادبیات - تقریباً، که نه تحقیقاً، فقیر خوشنویسی خالی دیدم. میل و شوق خود را، با اندکی جسارت البته، با توجه به شناخت از حلم استاد آمیختم و خواستم که طرف گفتگویی طولانی دربارهٔ خوشنویسی با ایشان باشم. زیرا دانستم آنچه را که می‌داند، شاید به دلیل مشغلهٔ فراوان و سبک و سیاق گفتن از آنچه می‌داند، این فرصت را به جامعهٔ خوشنویسی ندهد که با کلیت دانسته‌های او آشنا شود، زیرا او خوشنویسی را نه بصورت منفرد، بلکه در بستر تاریخ هنر ایران می‌شناسد. دانش او از هنر مدرن و آشنایی با روش‌های نقد و تحلیل آثار و طبیعتاً نگاه از بیرون به خوشنویسی به مدد شناخت از دیگر هنرهای سنتی و مبانی شکل‌گیری آنها، نقد و تحلیل او را در زمینهٔ خط و خوشنویسی واقع‌گرایانه و مبتنی بر متر و معیار قابل فهم می‌کند. دربارهٔ نسبت ایشان با خوشنویسی چیزی نمی‌گویم چون در ابتدای گفتگو از زبان خود مفصل می‌گوید، اما آنچه را از نسبت استاد با خوشنویسی دانستم، و ضرورت گفتگو را به هر وسیله امری واجب کرد، دل مشغولی او دربارهٔ این هنر و خصوصاً نسبت وضعیت معاصر آن با دوران اوج و درخشان تاریخ خوشنویسی بود. حس کردم آیدین آغداشلو واقعاً می‌خواهد به کمک این هنر بشتابد و البته می‌تواند و باید از او خواست.

این گفتگو البته مجال همهٔ آنچه را که باید می‌پرسیدیم و پاسخ می‌شنیدیم نداد، اما روشنگر و تعیین کننده است از آن جهت که سرفصل‌های نویی را برای شناخت ابعاد دیگری از خوشنویسی گشوده است. مباحث بسیار دیگری بود که طرح نشد. همین مقدار انجامش دو سال و نیم طول کشید، با شیرینی‌ها و تلخی‌هایش - البته نه تلخی‌هایی که به گله‌مندی می‌انجامد و اگر به تلخی از آن‌ها یاد می‌شود تنها به واسطهٔ تأخیر در به ثمر رسیدن گفتگو بود، زیرا سخت بود و البته نه چندان عجیب، که به خاطر قراری در تهران از کرمان عزم سفر کنی و دست خالی برگردی، آن هم نه یک بار و حتی دو بار! و هرگز نفهمیدم که چه گونه بار دیگر هم می‌پذیرفتم! می‌دانستم که باید بروم و شاید فهمیده بودم که گفتگو باید به انجام رسد - و البته عتاب و خطاب استادانه و پدرانانه که شیرینی تلخی‌اش آرزوی هر شاگرد و فرزندی است. باری گفتگو انجام شد، ضبط شد،

مکتوب شد اصلاح شد، دوباره اصلاح شد، بازنویسی شد و البته هیچ از آن کاسته نشد حتی بعضی از تکرارها که برای حفظ روح مصاحبه و زبان محاوره در نگارش واجب بود از آن نگذریم و نگذشتیم. القصه شد آنچه که می بینید. نه هرگز به این سادگی که می گویم و ای کاش سختی ها و تلخی هایش به پایان نمی رسید که آموزنده بود.

گفتگو در چند جلسه انجام گرفته است که به صورت بخش های جدای از هم تنظیم گردید، و از آنجا که بسیاری از نام ها و اصطلاحات متن گفتگو ناشناخته و یا کمتر شناخته هستند اصطلاح نامه ای به انتهای کتاب افزوده شده است.

کشف الایات

کلیات شمس تبریزی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات تربیتی

رتال جامع علوم و پژوهش

توفیق محمد سبحانی



انجمن آثار و معارف اسلامی